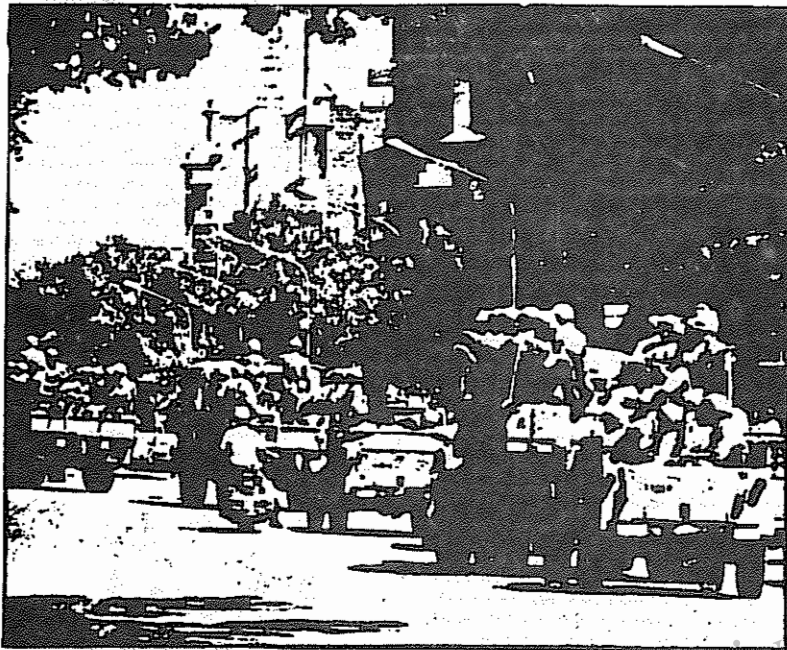


هفته نامه نوید

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۲۱، شنبه ۱۳۵۷ شهریور ماه



خیابان‌ها در اغفال نیروهای نظامی شاه

رژیم شاه فرومی ریزد

شرف دولت آیزوگر روی سینه آمدن عریضه حجه شب باز
در بگری چون شریف امامی دار دوپلغه بشر سخاوت می توانه بیرون تومسه
فرارگرند - نخست این که به استبداد در حال لرزیدن بی یورش است و
زیر فشار بحران خرد کننده و علاج ناپذیر که هر دم برضول و عرصی و
حق آن ایزیده می شود چاره ای جز طب نیشی وکد ارتکاب و احراق و حاکم
های تازه برای خود نمی بیند - در زمانی این که شاه می خواهد بیست
کثیرین فراموشی ترین تخمیر بی پایه زمین نمایان به ص و رت
های حیاتی تسلیم و درگزنی های بنیادین را بزرگوار و ارجمند می نرساند
پاسخ دهد - اما این حجه شب باز چنانچه بود بگری و زرگری حساب
نده ای که در آن به کار برده - سرانجام نانشانه است - بی درر شد
این که چرا شاه به اصطلاح از میان بیخبران خرمن را انتخاب
کرده و شوره شناخته شده بی اختیار چون و این چنین بی حسابی برای
خود ربه کار گرفته است - همه در آن بزرگی نانشانه آوردن بردارد - او
میخواهد ای را انتخاب کرده که در آن بزرگی آید و بیرون جیبش نشانی بسته
به این ترتیب و اندوخته می کند آنچه را که مردم از او می گردند - طب نیشی
های را که حشمت سراسری و رو به افلاک انجلی خلق به او تحمیل
می کند - همه عمل خود میدهد و در واقع این بوسی اگرام شاهانه است
از طرفی شاه و رژیم بیمارش چنان شتر روی و منور شده که ایس
و حشمت و جود دارد بیرون قدرته به شخصیت که کثیرین و جاهلست
طن و حیثیت و اختیاری در داشته باشد - به این ترتیب در ملک جاگزین
درگاه و بندگان می آید و غیر دربار فرارگرند - دولت سلطنتی او را
به ضعیف جانی در معرض شیبه قرار دهد - از این دو مورد که بگذریم
اصولاً شاه نه می توانست اعتمادی به خلق داشته باشد و نه می خواهد به
بیمباز چنین فشاری برود - چنانچه که مردم آیزوگر و آوردن سرت
نمای چند جور تخمیر به بی اختیار - تحول بی تحول و به عبارت دیگر
در حوض کردن به قصد تیریدن است -

نخستین طبع جدید که از ۱۰ سال پیش ریاست ستارانه عبودیت
و به عنوان یکی از مظاهر اصلی رژیم استبداد سلطنتی و پایه اری نظم
مخوف پلیسی و آفیس شاه و حشمت استبداد آن عمل کرده است - تا بگیا
به شاه که به ایرانال شرف ارتقا می آید - به آزاد بخواد اصلاح طلب
و صوری از آید در آید - شگفتا! مگر در این مدت کوتاه چنانچه
روی در آن که ایس را به تیره و نامور استبداد ربه برده آزاد و عدل
ساخته است - جز این است که حکومت کنندگان در بگردد و دستند به
سایر گذشته حکومت کنند و حکومت کنندگان ادانه عبودیت
حکومت را نمی بیند بود - توان آیزوگر - کارگزین و کارخانه حساب
مباران در گویه و خیابان با انگشتی از هم می رسد! آیا انقلاب تساز
نده است؟

در این فضای که هزاران انتظار وطنی و دگرگونی حساسی
است و سنگ روی سنگ بند نمی شود - در رژیم و گزیده زندانیان هم
ناچارند ایس را بخورند - اما نظر ایس را به
ظهور و به دستم شرف ایس در این متن بر ظاهر اعضای بیشتر
و بیشتر قابل درک است - به بیان اطمینان سزائی که مطرح می شود
ایست -

اگر تخمیر فرمایشی و معارضه فریبده را به که از او
نورس می شود و دولتی به گشای به اصلاح فضای سیاسی و اداری است -
چه کمترین مورد در در اولین فرصت مناسب طبله ها و باره زنجیر
خود را باره کند به جان مردم نیندند - هر چه هنوز هم به صبح و صبح از
جان مردم در دست برداشته اند - این سزا ظن بوجه وطنی را در آن
و فریاد بی شمار تالیف و تظلم می کند - پس از آزادی و آزاد سازی
سیاست ریاست - اما فضای بنیاد های استبداد و تیر و سرکوب چون حسد
شدید را به آید - اما - سزا که همچنان سایه ایس خود را - بی
ظلم ترین مملکت دولتی و با ظلم ترین و بی حساب ترین بود چه و نسا
معدودترین اغشارانه بدر سرکوب و آذنگی بگردد گسترده است -
در اد های نظامی به مثابه ابزار دیکتاتوری - سزا از فراسو ل
و قانون و سزا و جلی کند - در باره مثابه سرور همه سیاستها و عدل طرف
مد خلق مرکز قدرتی متفکر مردی همچنان با هم ریاست - مجلسین کارگزار
بی حیثیتند و قوه قضاییه در چنگ قوه مجریه به نعل سزا شد با عدل
دهد - با این زمینه ها و بنیاد های صبی - هرگز نمی توان در آن آزاد
سازند بود؟ چگونه می توان این مظاهر را به برده و با بر کرد؟
گفته این نظام استبداد و این استبداد شرایط اقتصاد و سیاست
اجتماعی و فرهنگی آفرین - نیروهای طبقاتی و قدرتهای مختلف است
استداده به به به ایس - بیست و شکر نوی از حکومت
سخت است که در تمامی حواصی مستقیم به شغله متصا به ابر اقتبسی
شد و در به با گناه طلی خله در در - وقتی پاچه و شراب نیشی
استداده است و نیز در به باقی می ماند - بطور می توان انتظار داشت
که آن آیزوگر آن به گزین و سرور شود؟ وقتی طله با هم ریاست - در ل
خوش کردی به هرگز خردن منقلب تنها سازه لوسی کرد گشایست -
در مقاله در صفحه ۲

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

زحمتکشان حله ارتد ضحیاتی را که مانند به دست آورنده
ظلمت و فقرات سندیکایی و کارگری را به می غلبه است
سندیکایی بیرون از بند و بی در حالت طمانه دولتی و کارفرمایان
آیزوگر سندیکایی بیرون است خود را کسب نمایند -
زحمتکشان حل دارند به سازمان سندیکایی مراجعه نمایند
کلیه مسائل مربوط به دفاع از منافع و حقوق فردی و اجتماعی خود از
آن کمک کنند -

سنگری حزبی با قابل به دستم که هیچ وجه نمی تواند مانع
برخورد اری وی از تمام حقوق سندیکایی گردد -
این حقوق که در هر کشور در گذشته کاملاً اید این به حساب
می آید - در ایران تصدیر هم سرافراست ادی سندرها شاه عاها با پمال
می گرد - امتیازات - حتی در سند های کوله بسته می شود -
گردد آن در دلیله حل تشکیل سندیکایی دارند - اما سندیکایی
به تصویب وزارت کار و سزاوات برسد - بر همین سندیکایی طرف سزاوا که
منصب می شوند - صا هرات سلامت آیزوگر سندیکایی و اعضا است
آن های می کنند - می شود - زحمتکشان فقط می توانی را کار سزاوا
سازمان امنیت گذشته و از شاه به به سزاوا می کند می تواند به دست
آوردند و آیزوگر سندیکایی نیتها خودی که وزارت کار و چارچوب
ظلمت حکماری سلطنتی و عرب کارگران لازم می آید انجام می گرد - از
روشن که شیوه های حاکمیتی را به کار می برد جز این می توان انتظار
داشت -

به صوبه سندرها اعلامیه حیاتی حقوق سندیکایی در رژیم
دولت است -
سندیکایی حله ارتد به سندیکایی زحمتکشان - بر طبق اساساً
ان که خود آنان آزاد اند تطلم و عضویت کرده اند - بدون در حالت
با کنترل طمانه دولتی و کارفرمایان - در نهایت نمایند - سندیکایی
شخصیت حقوق دارند -

سندیکایی حله ارتد نیز انتخاب رهبران و ارگان های اجرایی
خود را آزادانه تعیین کند - اداره امور داخلی خود را سازمان دهند
پرونده حل خود را تعیین نمایند -

اداره اجرایی سندیکایی حل سندیکایی و طمانه دولتی
و کارفرمایان حل در حالت کنترل آن را دارند - امثال و داریس
سندیکایی را به هیچ عنوان نمی توان صادر کرد -

در مقاله در صفحه ۲

اینکه پس از ۲۰ سال در این سندیکایی صوبه سال ۱۹۰۴
سندیکایی حله ارتد " اعلامیه حیاتی حقوق سندیکایی" تصویب و
انتشار داد - است در سراسر جهان برای سازه بود به فصل
همینگونه سندیکایی به پایه پایه برود استفاده فرارگرند و به تظلم
سازمان سندیکایی همه کشورها باری رساند -
در عده سندیکایی می شود آن که در عرصه بین المللی -
آزادی های سندیکایی که باید در همه کشورها رعایت کرد در پیش از
بهر به رسمیت نشناخته می شود - به ویژه طریق آن که طمانه ناسه
های بین المللی کار را از میان می برد و طمانه ناسه حساسی
می رود به حل طرف بشر - آزادی های حقوق سندیکایی را باید می کنند -
مدد اکثر حقوق سندیکایی در دستم و کتا و زور و حقوق سازمانهای
آی نیا از جانب دولتی و منافع و کارفرمایان و سزاوا و کارفرمایان
می گرد -

بخشی از حقوق سندیکایی زحمتکشان آن چنان که در اعلامیه
حیاتی حقوق
زحمتکشان حل دارند آزاد اند - سندیکایی بگردد
در باره کلیه مسائل مورد اختلاف خود به و اظهار نظر کند -
زحمتکشان از آن حله کارندان در لوله حله ارتد سندیکایی
تشکیل دهند - به زمان های سندیکایی موجود می شوند - بدون
احازه و کنترل طمانه دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت
سندیکایی شرکت نمایند -

انصافی سندیکایی آزادانه اساساً سندیکایی خود را - قطعی
می کنند و طرز کار و فعالیت های سندیکایی در بین و خالق و کنترل
طمانه دولتی و کارفرمایان سازمان می دهند -

انصافی سندیکایی حله ارتد بر طبق اساساً سندیکایی بگردد همان خود
را انتخاب کند و به صورت ارگان های رهبری سندیکایی انتخاب شوند -
زحمتکشان حل دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه فصل
سندیکایی هم از انتخاب - شکریم - تشکیل گروه انتخاباتی - حساب
و یکت) - اغفال حل کار و عشا هرات حیاتی و اشغال بگرمایزاد
سندیکایی شرکت می کنند -

زحمتکشان حل دارند برای ایران همیستگن به انتخاب بیست
اند اما به بگری که مناسب می آید در همه زند و به این مناسبست
نیاید مورد بازخواست - اما عاچ نانشانه فرارگرند -

پیروزی مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه

